

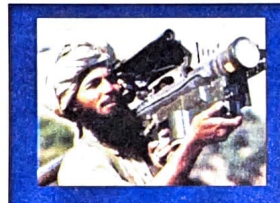
دوهفته نامه
سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و طنزی
سال هفتم شماره ۵۱ نیمه اول اسد ۱۳۹۲
قیمت ده افغانی



افتخار بزرگ نصیب
والی
هرات شد
صفحه دوم



امارات اسلامی
طالبان و قطر؟!
صفحه پنجم



چرا تشکیلات اتحادیه ها و دوکان های مطبوعاتی لغو نمی شود؟! ۱



گپ اول ایجاد صندوق خبرنگاری

اخیراً وزیر اطلاعات و فرهنگ در جلسه پی که در تارو وزارت اطلاعات و فرهنگ گفت: « اینک صندوق بری خبرنگاران ایجاد گردید که خبرنگاران می توانند اعضای این صندوق را انتخاب نمایند»

گرچه این صندوق قبلاً تشکیل یافته بود و مبلغ دوسد هزار افغانی نیز به آن کمک شده بود اما اعلان مجدد این مطلب توسط وزیر اطلاعات و فرهنگ و وعده اینکه در آینده با انسجام و منظم شدن کار از تیار و سرمایه داران خارجی داخلی و کشورهای مختلف کمک های حاصل خواهد شد و صندوق توان مالی بیشتری خواهد یافت و در آینده تمام خبرنگاران در شرایط اضطراری و مشکل از آن کمک ها استفاده خواهند نمود.

بهر صورت سنگ تهداب صندوق برای ما بر دوم گذاشته شد و اگر این موضوع مسکوت نماند و تلاش هایی در جهت غنا مندی صندوق صورت گیرد کاری است ارزنده و خوب و تمام خبرنگاران می توانند مشکلات خود را حل سازند و اگر تلاش ها صورت نگیرد و دوستان ما فاصله در آن سهم تکیزند و وزارت نیز همکاری جدی نکند بی شک این تلاش ها نتیجه مثمر نخواهد داد.

در این جلسه پیشنهاد مشخصی ما این بود که همه خبرنگاران بخصوص مسکوتین رسته ها در حد توان و یا حداقل یک صد افغانی در ماله حق انصافیت صندوق را تقدیه نمایند تا صندوق هیچ گاه بی پولی و ورشکستگی نشود و توان این را داشته باشد که در همه شرایط و اگر هم کمک های خارجی و داخلی و سرمایه داران به آن صورت نگیرد توان مالی خود را حفظ نماید و در شرایط مشکل خبرنگاران از آن استفاده نمایند.

بهر صورت این حرکت مثبت وایه لافل نیک می تاریم و امیدواریم در این عرضه کارهایی یا همکاری همه خبرنگاران صورت گیرد تا کشور ما نیز چون کشورهای دیگر صاحب یک صندوق پولی باشد و ما در شرایط دشوار نیز وایور خبرنگاران باشیم و صندوق خبرنگاران در حل مشکلات خبرنگاران تاثیر گذار باشد.

مدت زیادی از ایجاد تشکل جدیدی به نام "فدراسیون" می گذرد و تعدادی از تیکه داران تشکیلات های کوچک خبرنگاری تشکیلات وسیع تری به نام "فدراسیون ۱" ایجاد نمودند و هر کدام صحبت های نموده و تشکیلات رهبری را نیز مشخص نمودند.

وقتی به چهره های رهبری این تشکیلات می بینی همان چهره های خسته کن و تیکه دارانی است که راه درآمد را یافته اند و امروز نیز با شنیدن صدای "فدراسیون بروسل" بیست گفته اند.

اما آیا منطقی است که تشکیلات های کوچک دست به ابتکار زنند و تشکیلات منظم و بزرگی را پایه گذاری نمایند اما دوکان های قبلی را نبینند و هنوز هم تشکیلات های کوچک مربوط به کشورهایی شوند و یا اینکه بخاطر منافع شخصی خویش و درآمد مشروع و ناشروعی که دارند دست از تشکیلات کوچک بردارند و به کار خویش بپردازند.

البته این حرکت نه تنها در انسجام و منظم ساختن تشکیلات های کوچک موثر تمام نشده است ، بلکه باعث گردیده است که یک تشکیلات دیگر هم به تشکیلات اضافه شود!

اما قصه دوم اینکه وقتی "فدراسیون" بازی شروع شد یک تعداد تشکیلات های دیگری هم با استفاده از وقت یک فدراسیون را پایه گذاری نمودند و بدین طریق دسته های خارج از بازی نیز در پی ایجاد فدراسیون شدند و عنقریب تعداد فدراسیون ها شاید به هفت و هشت برسد و در هر کوجه تعدادی بازی کنی و فوتبالی با ۲۴ نفر یک تیمی را درست نمایند و تلاش را فدراسیون بکنند.

بهر صورت اگر تکلّه دقیق تر به تشکیلات های خود که ادعای چندین هزار خبرنگار را می کنند و در یکی از بحث ها خانم فریده نیک زاد ادعا کرد که هر تشکیلات کوچکی که فدراسیون پیوسته است اگر یک هزار خبرنگار داشته باشد ماهشت هزار نفر می شویم.

در طول دوره که من در این کشور بوده ام و میدانم تشکیلات های کوچک توانایی انسجام صد خبرنگار را ندارند و اگر هم داشته باشند زمانی این کار را می توانند انجام دهند که در یکی از هوتل های بزرگ برای صبحانه و نهار ترتیبات مفصل بگیرند و در این دعوت هر چه بی اشتها است می آیند.

خبرنگاران را ما وقتی با ارقام رهبری می شوند دروغ شاخ دار نگویند و حقیقت را بگویند که کل تشکیلات فدراسیون نمی تواند هزار نفر را سازماندهی نمایند و یک هزار نفر کمیت زیادی است و اصلاً خود بزرگ بینی و بزرگنمایی کار درستی نیست و مثل من بگویند که تشکیلات من پانزده نفر است و این یک حقیقت است.

بهر صورت به موضوع دیگر بر می گردیم که غیر دموکراتیک و مستبدانه است.

چرا انتخابات در اتحادیه ها صورت نمی گیرد و چرا این چهره های تکراری همیشه مگس هم دوغ ها هستند!

طور مثال : در اتحادیه ملی ژورنالیستان آقای مبارز انتخابی نیست و هنوز هم مطلقاً اسلنامه کنگره دایر نشده است که او را انتخاب نماید.

فیبیم دشتی انتخابی نیست و اصلاً چیزی به نام انتخابات در قوتنشین نداریم و بد انتخابات صورت گیرد و کنگره باید دایر شود و هیئت رهبری انتخاب شود.

دیروز هم سان چارکی که میبغ چهل هزار دلار آژانس باختر را بالا کشیده بود در راسی این اتحادیه انتخابی بود و جانب تر اینکه میدرجدر مطهر مدیر روز نامه آرمان ملی نیز در انتخابات برهنده نشده است و اکثریت خیر ندارند که ایشان مرتکب قتل شده اند و مطابق قانون بخاطر جرمی که مرتکب شده است مسئول نشرات شده نمی تواند.



چند روز قبل دکتور داود شاه "صبا" والی صادق و پرکارش زبیا هرات به دلیل کارشکنی و زور آوری مافیا خصوصا اختلاس بالای ساختمان سرک چهل متره توسط شاروال ولایت هرات از کارکنان برکنار گردید نمود.

شاغنی صبا علاوه نمود که از یک سال گذشته اداره مستقل



ارگان های محلی به تشویق قانون گریزی در مربوطات هرات بر مشکلات افزوده است.

والی هرات در موارد مختلف راجع به نقص قانون توسط زورمندان دولتی از مصلحت گزینی رییس جمهور کشور انتقاد نمود.

آقای صبا ارگان محلی را به دستگاه معامات تشبیه کرد. واقعا جریان فساد نه تنها که در هرات بلکه در تمام ولایات و ولسوالی های کشور و کابل پایتخت افغانستان به اوج خود رسیده است اما با کمال تاسف که تطبیق قانون بالای چپاول گران دزدان و جنایت کاران در کشور غیرممکن است چون از بالا کار خراب است.

آقای صبا گفت: " گروه های مخصوص منفعت طلب با استفاده از بستر مصلحت گرایانه ی نظام به نقص اصول اداری ادامه می دهند نامبرده اداره مستقل ارگان های محلی را به دستگاه معاملات تشبیه نمود و گفت: " تا زمانیکه فساد در ادارات دولتی کشور از بین نرود افغانستان هیچگاه بسوی حکومت داری خوب به پیش نخواهد رفت.

واقعا جای تاسف است که کشور آغوشه با فساد است و پرسران گریز در دولت نیست تا جزای جنایت کاران و خائنین را بدهد و دولت را از تشویش و ناراحتی نجات دهد.

ناگفته نماند که به ارتباط استفاده از پول های سرگ و غیره زورمندان استفاده زیاد می بینند چنانچه درباره سرگ ها و استفاده زیاد از پول های حیف و میل شده چند روز قبل پارلمان کشور وزیر فواید عامه را استیضاح و وی به جواب سوالات و کلا گفت که سرگ سازی به گروپ ها ، باندها و فامیلی های مشخص زورمندان سپرده می شود و وی کار کرده نمی تواند به عقیده بنده هر وزیر و هر وکیل و

دربوش خان

پیش بینی قرآن کریم در مورد سالم ماندن فرعون

یک مومیایی وجود دارد که گفته می شود که بدن همان فرعون است که در زمان موسی در رود نیل غرق شده است .

مدتی پس از غرق شدن جسدش را پیدا کردند و او را مومیایی نمودند راتاق مومیایی ها قرار دادند. در سال ۱۸۹۱ بنا به درخواست دولت فرانسه این جسد برای تعدادی از ژنرالها به فرانسه انتقال یافت و بسیاری از جناحان که یکی از آنها پروفسور موریس بوکای بود کز تحقیقات بروی جسد فرعون را آغاز کردند.

موریس بوکای و همراهمان پس از بررسی های بسیلردیافتند که این جسد برخلاف اینکه در آب دریا افتاده است بسپیر سالم باقی مانده است و

کسانیکه در چوکی های پرمسئولیت دولت کار می کنند اگر زورمندان و مافیایی دولتی مانع کارشان می گردد مانند محترم داود صبا والی هرات جرت نماید و حقیقت را فاش است .

افتخار بزرگ نصیب والی هرات شد

جیلانی شمس



ساخته با وجدان پاک از کار استغفا بدهند و در تاریخ کشور نامها و رفتار و حقیقت کوی شان ثبت خواهد شد .
واقعا عکس العمل والی هرات درسی بسیار خوب و تاریخی بوده که به دولت داد .
چون از ۱۳ سال بدین سوی فساد در دستگاه های دولتی به اوج خود رسیده است و واقعا اشخاص صادق و دانشمند و کارکن در دولت جای کار نیست .
کسانیکه می خواهند در خدمت وطن و مردم این کشور

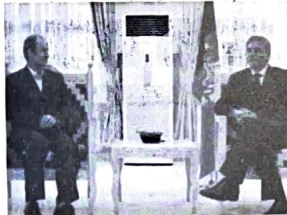
نمانده و رفتار و حقیقت کوی شان ثبت خواهد شد .
واقعا عکس العمل والی هرات درسی بسیار خوب و تاریخی بوده که به دولت داد .
چون از ۱۳ سال بدین سوی فساد در دستگاه های دولتی به اوج خود رسیده است و واقعا اشخاص صادق و دانشمند و کارکن در دولت جای کار نیست .
کسانیکه می خواهند در خدمت وطن و مردم این کشور

هموطن تحسین و تبریکی برای شان می فرستم و از خداوند می خواهم در همه عرصه های زنده گی خود موفق باشند .
اما خطاب به اراکین و والی های محترمی که هنوز هم در پست های دولتی فرار دارند و مصروف خدمت گزاری به مردم هستند این یک نکته را باید بدید دهم که خدمت گزاری به مردم زمانی ارزشمند است که کارها به صورت صادقانه و بدون اختلاس و سوء استفاده صورت گیرد و مردم به یک نکته و یک نتیجه برسند که مسئولین دولتی مدافع و یار و یاور شان است و از صمیم قلب برای شان کار می کنند و این اعتماد سازی و این حرکت های صادقانه می تواند خیلی از گروه های کور را باز سازد .

ولایان امنیتی را در دست دارند و مردم انتظارات زیادی از ایشان دارند و اعتماد سازی می توانند روابط دولت و مردم را نزدیک سازد و راه را برای شکوفایی و ترقی و بازسازی باز می سازد .

بهر صورت در تمام ولایات ما شاهد بعضی مسایل هستیم شاهد قیام ها ، شاهد خشونت ها و شاهد رشوه ستانی ها و ... اما هستند والیانی که صادقانه فکر می کنند و صادقانه عمل می نمایند و این حرکت ها می تواند گروه کور و مشکلات مردم را حل سازد .

گرچه مافیای دولتی و غیر دولتی و زورگویان در تمام ولایات دست بالایی دارند اما شهامت و دوراندیشی ولایان می تواند بحال مشکلات با شد و توجه مردم را بسوی خویش جلب نمایند و بدین طریق راه روشنی را در پیش گیرند .
اما حرکت داود صبا یک حرکت زیبا و حرکتی بود برای ولایان دیگر که آنها از این حرکت استقبال نمایند و سره و ناسره معلوم شود و مردم نیز بدانند که کدام یک از ولایان درین چوکی و مقام است و کدام یک از ولایان مختلصانه درین خدمت گزاری هستند و استغفا ی ایشان درسی باشد برای ولایان تا هر زمانی که فشار مافیایی و زورمندان بالایش زیاد شود و توان مقاومت را نداشته باشد استغفا دهند و بدین طریق خود را مقبول مردم قرار دهند و خوشتر از ثبت تخریب نمایند تا امروزیان و فردا کسانیکه که تاریخ را می خوانند بدانند که مردانی بودند که خود را ثبت نمودند .



گروه های کور را باز سازد .

آب در کوزه و ما تشنه لبان می گردیم



در طول بیست و نه سال دولت جای اینکه مشکل آب را حل سازد ، دست به تقسیم نا عادلانه آب زده و مناطق زیادی را تحت پوشش قرارداد و از یک جریان منظم آب که می توانست روزانه ضرورت همه مشترکین را رفع نماید مسیرهای دیگری را تحت پوشش قرارداد و بدین طریق حالا منطقه کارته پروان در هر سه روز شش ساعت آب دارد .
دولت بدین طریق هم نام خود را نیک کرد که به مناطق دیگر آب داده است و هم مشکلاتی را برای مشترکین اصلی و کسانی که مطابق نقشه شاروالی ساخت ساز کرده پدید آورد .
اما این حرکت می تواند رضایت خاطر همه را بآورد ؟ البته که نه این حرکت نه تنها باعث آزار و کم آبی در این مناطق کارته پروان شده است بلکه هر روز خانواده ها سطل در دست دنبال آب روان هستند .
اما مشکل دیگر اینکه یک باره قیمت آب بالا رفت و آتقدر بالا رفت که اکثری توان پرداخت آنرا ندارند و گاه می خواهند از خیر این آب آشامیدنی بگذرند و تشنه لب زنده گی کنند .

مشکل آب و برق و قیمت آن از زمانی که بحث خصوصی سازی مطرح شده است و شرکت های خصوصی دار و ندار مردم را به تاراج برده اند آتقدر بالا رفته است که امان و قرار از مردم ربوده است و اکثری فقط بخاطر آب و برق پول جمع می کنند و از دستر خوان آنها میوه و روزی برچینده است .
اما آیا ارمغان امپریالیزم آمریکا همین بوده است که مردم را در قید و گرو آب و برق نگذارند و دیگر به هیچ چیز فکر نکنند .
۹۰ ایا مردم حق ندارند که به چیزهای دیگری هم فکر کنند .
راستی زمانی می گفتند مرگ به امپریالیزم آمریکا و ما نمی فهمیدیم و اینک با گوشت و خون و استخوان احساس می کنیم که مرگ به امپریالیزم آمریکا چنه ما دارد ۱۶



نتیجه به اصطلاح "انتخابات" اخیر و پاره ای از صحبت های دوپهلوی و زیرکانه "شیخ کلیدی" برای عوامل سازشکار رژیم، در درون و پرونمیز، این فرصت را ایجاد کرده است که یکبار دیگر، برای تداوم این رژیم جنایتکاروغارتگر، برشدت اعمال فریبکارانه خود بیافزاید. اگر رهبران کشورهای غربی یکبار دیگر به علت درماندگی های اقتصادی و سیاسی خود در انظار مفسری برای امیدوار نگه داشتن مردم خود بسر می برند، خوشبختانه پاره ای از نمایندگان دو مجلس آمریکا بسیار هوشمندترند. این آنها هستند که به دولت خود نهیب می زنند "فریب روحانی را نخورید". درنخستین روز ماه ژوئیه، همزمان با آغاز نوع جدید تحریم ها، چهل و سه عضوکنگره آمریکا با ارسال نامه ای به کاخ سفید، انتقاد روحانی را برنامه ای به طرازی شده خوانند و به دولت آمریکا هشدار دادند که این "بهانه نتیجه انتخابات غیر عادلانه اخیر در ایران" فریب نخورد زیرا از حسن روحانی در این رژیم کاری ساخته نیست. اندکی پیش از سه سال پیش، در چهاردهم آوریل دوهزار و ده، آقای اوباما در پایان جلسه سران چهل و هفت کشورجهان که در واشنگتن برگزار شد و هدف آن محدود کردن تولید سلاحهای هسته ای و پیشگیری از دستگیری خرابکاران به آن بود، در مورد رژیم ایران چنین گفت: "بهتر است جمهوری اسلامی بسود و زبان سرپیچی از مقررات بین المللی را بسنجد" و اظهار امیدواری کرد که وقتی جمهوری اسلامی از زبان تحریمها مطلع گردد تغییر مسیر خواهد داد و راه کنار آمدن با جامعه بین المللی را انتخاب خواهد کرد. مسلماً این چنین برداشتی از یک حکومت، در یک کشور دمکراتیک، برداشتی منطقی است زیرا اگر حکومت جز این کند مورد سؤال شهروندان خود قرار خواهد گرفت و چندان در قدرت باقی نخواهد ماند. گذشت زمان نشان داده است که برداشت پرزیدنت اوباما از ماهیت نظام جمهوری اسلامی و تهدید این رژیم درقبال حفاظت از منافع ملت ایران چگونه به خطا رفته است. آیا آقای اوباما در آزمون اعتقاد داشت که جمهوری اسلامی حکومتی است مغلول که می تواند سود و زیان خود را بسنجد و منافع ملی ایران معیار سنجش چنین حکومتی است؟ آیا او نمیدانست که جمهوری اسلامی هرگز در هیچ یک از موارد برخورد با غرب و یا دیگر کشورها، منافع ملی ایران را مبنای تصمیم گیری خود قرار نداده است؟ آیا او ماجرای گروگانگیری دیپلمات های آمریکایی را فراموش کرده بود؟ گروگانگیری از نخستین ساعات و دقائق، عملی بود در جهت خلاف منافع ملی ایران و عقل سالم حکم می کرد که دیر یا زود باید به این غنله ختمه داد، اما جمهوری اسلامی از تمام فرصت هایی که داشت غفلت ورزید و به خاطر عدم قدرت تصمیم گیری، یا بیاعتنایی به موازین و قوانین بین المللی، و از همه مهمتر انحراف نگذاشتن به منافع ملی ایران، آنقدر این مسئله را طولانی کرد که مجبور شد در بدترین شرایط پس از شکست کارتر و از بیم تهدید و تحت تاثیر اولتیماتوم پرزیدنت ریگان در نخستین دقائق ورودی ریگان به کاخ سفید با عجله گروگان ها را از مرز ایران بگذراند. با ورود آنها به آمریکا اولین موفقیت سیاسی ریگان رقم خورد.

ریگان نظری سواى كارتر نسبت به جمهوری اسلامی داشت و عساد و دشمنی خود رانست به خمینی و رژیم

حکومت مذهبی اصلاح پذیر نیست

شاهین فاطمی

اسلامی در طول مبارزات انتخاباتی اش پنهان نکرده بود. این نوع رفتار جمهوری اسلامی آنقدر غیرمنطقی بود که کسی نمی توانست از طریق عقل و منطق آن را توجیه کند که یکی که از اعضای تیم کارتر به نام گاری سیک در این مورد کتابی نوشت و در آن مدعی شد که یک نوع «ساخت و پاختی» میان طرفداران آقای ریگان و سران جمهوری اسلامی وجود داشته است و آنها به این دلیل گروگان ها را زمان بر سر کار آمدن ریگان آزاد نکردند. البته تمام



تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفت نتیجه منفی داشت و روشن شد که چنین «قرار و مدار» وجود نداشته است و این تنها ناشیگری جمهوری اسلامی بود که ماجرا را به آن صورت و برخلاف منافع ملت ایران و حتی خود رژیم پایان بخشید. برای غربی ها عقلگرا چون چنین رفتاری غیرعقلانه و غیرمنطقی به نظر می رسید آنها گمان بردند که حتماً زد و بنزدی در پشت پرده وجودداشت است. نمونه دیگر شکست این نوع دیپلماسی که می شود آن را دیپلماسی خیانت و یا لاقفل محافظت نامید، در مورد جنگ ایران و عراق اتفاق افتاد. جنگی که نمی بایست شروع می شد و بسیار زودتر از آنچه انجام گرفت می بایستی به پایان می رسید، آنقدر به درازا کشید که بعد از صدروز قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، جمهوری اسلامی ناچار شد با شرایطی بسیار سخت آور و درنکات آتش بس را بپذیرد و به قول آقای خمینی جام زهر را سر کشد. این جام زهر دیر هنگام، نوشیدنش برای رژیم آسان بود اما برای ملت ایران صدها هزار قربانی و حداقل صد میلیارد دلار خسارت به جا گذاشت. پس از آزادسازی خرمشهر اگر جنگ خاتمه یافته بود کشورهای عربی حامی صدام حاضر بودند چنین وضعی را به عنوان غرامت به جمهوری اسلامی بپردازند اما سوسه سیاست نظام باعث شد حتی پس از شکست صدام و زمانی که کویت و دیگر مدعیان صدام، همگی توانستند غرامت تجاوزهای رژیم بعثی را باز ستانند، کوچکترین قدمی در جهت حفظ منافع ایران بگذاشتند. امروز هم ما با چنین وضعی رو به رو هستیم. شکی نیست که جمهوری اسلامی ناچار خواهد شد یکبار دیگر با خفت تمام تسلیم شود. اما زمانی آنها به

مورد عدم شناخت خود را از فرهنگهای دیگر نشان داده اند، مشکل باشد که در کوتاه مدت رفتار غیرمنطقی طرف را در محاسبات سیاسی خود منظور کنند. اما پس از سی و سه سال گفت و گوی محرمانه و کشمکش آشکار با این رژیم، آیا آن تجربه کافی را هنوز بدست نیاورده اند؟ یک احتمال دیگر این است که آمریکاییها دقیقاً ماهیت رژیم جمهوری اسلامی را می شناسند اما این نوع گفتار و رفتار را برای استفاده دیگر کشورها و افکار عمومی مطرح کرد که به دست خواهد آمد متفاوت نخواهد بود. مسئله هسته ای و دیگر مسائل مربوط به ایران آن زمان حل خواهد شد که حکومت ایران توسط ملت ایران تعیین شود. کلید حل مسائل هسته ای و دیگر مسائلی که دنیا با رژیم جمهوری اسلامی دارد، از ترویسیم گرفته تا پول شویی، از دخالت بی رویه در اختلاف اسراییل و اعراب تا مساجراحی در آمریکا جنوبی، همه این مسائل ناشی از آن است که این حکومت با ملت خود و مصالح ملت ایران هیچگونه رابطه ای ندارد. آن حکومت هایی به فکر منافع ملی خود هستند که به ملت خود پاسخگو باشند. آیا درک این مسئله آنقدر مشکل است که مشاوران آقای اوباما موفق به حل این معضل نشده اند و به زمین چمنور خود نگفته اند که این حکومت نماینده ملت ایران نیست و از این رو هزینه ای که شما تحمیل می کنید بر ملتی است که هیچ وسیله ای برای انتقال عدم رضایت خود نسبت به این حکومت ندارد؟ اگر سی سال به این واقعیت روی خوش نشان نداده اند، حوادث تابستان ۲۰۰۹ و موج اعتراض ملت ایران که ظنین آن در سراسر جهان انعکاس یافت، می بایستی زنگ خطرری باشد برای آنها ای که هنوز این رژیم را نماینده ملت ایران می دانند و به بهبود رابطه با آن دل بسته اند. اشتباه آقای اوباما و دیگر رهبران کشورهای غربی زمانی اصلاح خواهد شد که در عوض تمرکز روی حکومت جمهوری اسلامی، توجه خود را به سوی ملت ایران و خواسته های مردم این کشور برای ایجاد یک حکومت مبتنی بر قانون معطوف دارند. راهی جز پشتیبانی از مبارزات مردم ایران و ایستادگی یکپارچه مردم در برابر این رژیم ستاری نجات کشور وجود ندارد. چنانچه کشورهای دمکراتیک دنیا زودتر به این واقعیت روی مساعد نشان دهند، مسئله رویارویی با نظام جمهوری اسلامی زودتر حل خواهد شد. ادامه وضع موجود نه تنها کمکی به حل مسائل سیاسی منطقه نمی کند بلکه این امکان را در اختیار جمهوری اسلامی قرار می دهد که بر میزان فشار و تعدیات خود علیه مردم بیافزاید. حل مشکلات ایران نه نیازمند جنگ است، نه از طریق مذاکره با جمهوری اسلامی مشکلی حل خواهد شد. پس از بیش از سه دهه تجربه تلخ این واقعیت غیر قابل انکار است که ساختار جمهوری اصلاح پذیر نیست. به سه ساختار تاریخ و پیش از سه دهه تجربه تلخ، راهی جز پشتیبانی از مردم ایران برای در دست گرفتن سرنوشت خود و استقرار یک حکومت مردمی در این کشور وجود ندارد. دیر یا زود مردم ایران نیز همانند مبارزان مصری علیه حکومت مذهبی قیام خواهند کرد. آیا در آن زمان جهان آزاد این درایت را خواهد داشت که اینبار از مردم دمکرات ایران پشتیبانی کند و نه از جلاخان و زندانبانان این ملت؟

به ویژه آمریکایی ها که در بسیاری

توالتین لازم مبارزه علیه این گروه را دارد و می تواند شورای صلح را ملغی اعلان کند و تنها یک گزینه که همانا جنگ است بگزینهند .
 خواسته اکثریت گروه های سیاسی همین یک نکته است که وقتی طرف مقابل جنگ می خواهد چرا ما برای آنها زاری و گریه کنیم که برادران در آغوش صلح بیایید .
 تمام منافع گروه طالبان در جنگ است و همین جنگ باعث شده است که میلیارد ها دلار کمک های کشورهای مختلف را بدست بیاورند و در کنار آن منافع سرشاری از مواد مخدر بدست بیاورند و بدین طریق به زنده گی سیاسی خود ادامه دهند .
 اما اگر قانون اساسی را قبول کنند و به دولت بپیوندند چه نصیب آنها خواهد شد ، اگر چه پیشنهاداتی در قسمت تقسیم مناطق افغانستان شده است که چند ولایت به آنها داده شود ولی مردم افغانستان به تجزیه کشور راهی نیستند و هیچ گاهی نمی خواهند کشور افغانستان تجزیه شود .
 بهر صورت تنها راه نجات افغانستان برای فعلا ادامه جنگ و فشار نظامی است و دولت باید در قسمت نیروهای هوایی و سلاح های دور برد مویشک های زمین به زمین و دفاع هوا تلاش کند و از کشورهای مختلف این اسلحه را بدست بیاورد تا در جنگ ها نظامی مداخله به نفع دولت باشد و در کنار آن به پاکستان جواب دندان شکن داده شود .
 در آخرین تحلیل طالبان خواهان ادامه جنگ است و مذاکرات با طالبان امکان پذیر نیست و راهی که دولت در پیش گرفته است به سوی ترکستان است .

امارات اسلامی طالبان و قطر؟! سید تمیم بهار



بعد از سالها دراز اینک طالبان دفتری بنام قطر را افتتاح کرد و پرچم و لوگو امارات اسلامی را در آن کشور نصب نمود و برای پیروزی خود دعا نمودند و بدین طریق به جهان نشان دادند که به جز پیروزی به چیزی دیگری فکر نمی کنند .



اما فشارهای دولت در ابتدا و تفهیم این نکته که فقط یک دفتر به نام سفارت به دولت های قانونی داده می شود و این دفتر فقط می تواند برای مذاکرات باشد باعث شد که غرب متوجه این نکته شود و بزود ترین وقت لوگو و پرچم امارات اسلامی برداشته شد و بدین طریق این پیروزی طالبان به یاس و ناامیدی تبدیل گردید .
 اما این بار طالبان حتی مذاکرات با امریکا را به تعلیق درآوردند و دولت افغانستان نیز مذاکرات معاهده استراتژی یک با امریکا را بخاطر خطاهای که در قسمت دفتر طالبان نموده بود به تعلیق درآورد .
 اما بحث اصلی اینکه آیا طالبان با دولت افغانستان مذاکره می نماید یا نه و یا اینکه شورای صلح توان و آجدادی برای مذاکره دارد یا نه بحث جداگانه است .



اما آنطور که معلوم می شود طالبان هرگز قانون اساسی دولت را قبول نمی کنند و همان راهی را در پیش می گیرند که تا حالا در پیش گرفته اند و از طریق ارباب و فشارهای نظامی می خواهند خواسته های خود را بالای دولت بقبولانند .
 اما راه منطقی چیست ؟
 در صورتی که گروه مقابل خواسته های دولت را قبول نکنند و راه جنگ را در پیش گیرند فقط یک گزینه می ماند که جنگ است و اکنون دولت

چراغ سبز نشان نداده اند و نه تنها چراغ سبز نشان نداده اند بلکه با صراحت گفته اند که طرف اصلی مذاکره ما امریکا است نه شورای صلح و دولت را به رسمیت نمی شناسیم .
 اما آنطور که معلوم می شود طالبان در قدم اول در پی آزادی افراد کوچک و بزرگ خود هستند و می خواهند قبل از اینکه مذاکره نمایند زندانیان خود را آزاد نمایند و این اولین حرکت آنهاست و در ضمن در قبال آزادی یک سرباز امریکایی باج کلان می خواهند و برای امریکا هم این سرباز ارزش دارد و شاید تعداد زیادی از زندانیان آزاد شود .

مذاکره شورای عالی صلح کسانی هستند که از سابق مخالفین طالبان بودند و به عباره دیگر طرف های اصلی جنگ بودند و طالبان آنها را به عنوان گاتلین طالبان در دوران جنگ میدانند و اصلا تا حالا نه تنها مذاکره را قبول نکرده اند بلکه کوشیده اند که این افراد را بکشند .
 ترور دوتن از اعضای شورای عالی صلح و بم گذاری در مسیر راه محقق کرچه آنها تایید نکرده اند که این کار را انجام داده اند مسئله است که نشان می دهد طالبان در پی شکار اعضای شورای صلح اند و با آنها صحبت نمی کنند و حتی یک بار هم

مناسب در صدد جوان آن برائیم .
 در واقع زنده گی ما را تفکرات و عقاید ما شکل می دهند ، تصورات ذهنی که نسبت به راه و روش زنده گی داریم ، مهمترین عامل در شکل گیری خوشبختی ماست ، تصورات و برداشت های مثبت و منفی ذهن ماست که معیلهای خوشبختی ما را رقم می زنند ، این تصورات ذهنی ماست که به ما شادی و سرور ، غم و اندوه و شکست و پیروزی می بخشد .
 و اما نباید فراموش کرد که زنده گی زیباست ولی سرای بیش نیست ، شادی ها و لذت هایش زود گذر است اگر هم جلودانه باشند بزم فریبنده است ، بیایید به شکل زنده گی کنیم که هرگز نمومیم سعی کنیم نوعی زنده گی خود را اداره کنیم که هرگز هیچ گاهی نتواند ما را غافل گیر کند و این تهازمانی ممکن است که در هر شب از این حیات باقی مانده خویش حساب اعمال و رفتار روزانه خود را نماییم و در روز تمام تلاش خود را در پی نمودن این راه بر اساس دستورات الهی و اصول انسانیت که خواسته تمام انسانها است قدم برداریم .

بسنی های های و برای زنده گی جهت دهنده مثلا کسب ثروت ، رسیدن ر لذت ، موفقیت موفقیت شغلی و تحصیلی و کسب شهرت ، نمونه های از این اهداف به شمل می روند ، حال سنوالداین جاست که چگونه می توان به اهداف خویش رسید .
 انسانها زمانی می تواند به اهداف خویش برسند که در تعیین اهدافشان راه را به اشتباه نرفته باشد و اهدافشان را مطابق به استعداد و توانایی های خویش تعیین کرده باشند و برای رسیدن به آن به گونه بی جدی مصمم بوده و جهت حصول آن با تمام وجود تلاش نمایند .
 مهم نیست اگر به زمین بخوریم مهم دوباره برخاستن است ، اگر زنده گی هدفمند و هوشمندی داشته باشیم و از شکست ها ، کمبودها و مشکلات زنده گی خود تجربه کسب کنیم و آنها را سخت قلمداد نکنیم ، آنها باعث ناگامی و آنها باعث ناگامی و شکست و ناامیدی و بدبختی ما نخواهند بود بلکه در تلاش خواهیم بود تا به تجزیه و تحلیل این شکست ها و مصائب بپردازیم و از چنین تجربه های تلخ با بینش ورا کرد های

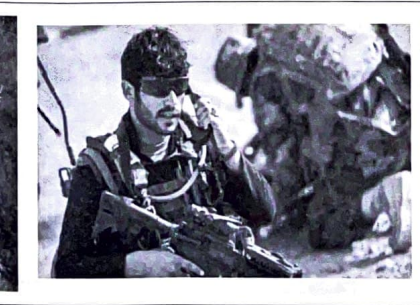
ممبر رسیدن به آن هدف فر لگو کرد .
 این باعث می شود که زنده گی انسان معنا دار شود

مرغری " خوری زاده "

زنده گی و چگونه زیستن



زنده گی در این دنیای پر شور و شعف هدیه گرانبهای است که از جانب خبوند هستی برای هر انسان عنایت می گردد که با تولد آغاز گردیده و با مرگ انجام می یابد اما نباید فراموش کرد که زنده گی دنیوی بگ زنده گی مجزای بوده و از زیستن برای رسیدن به زنده گی و حیات حقیقی و جلودانه که همانا زنده گی اخیری است .
 زبرای بهتر زیستن تلاش نموده و آن را در قالب فایل اعمال به صاحب اصلی برگردانیم که سهم ما از آن عاقبت به خوری و جلودانه بودن در جهان ابدی باشد و اما مهم این است که زنده گی کوتاه دنیوی را چگونه باید زیست ؟
 هر انسانی در زنده گی خود هدفی را انتخاب می کند و سعی می کند تا تمام تلاش ها و فعالیت های او در زنده گی انسان انتخاب شوند و هر برنامه ها و طرح



بی طرفی رسانه ها کجاست؟!

چندی قبل جرگه صدای مردم در تالار خلیج دایر شد و لنگی زعامت از طرف نماینده گان تمام اقوام افغانستان بر سر سردار نادر نواسه شهید سردار محمد داود اولین رییس جمهور کشور گذاشته شد. در این مراسم هزاران نفر اشتراک کرده بودند و تقریباً اکثر رسانه های داخلی و خارجی اشتراک نموده بودند اما رسانه های بی ادعای بی طرفی و توپوز را می کنند و به اصل بی طرفی و حقیقت بلور دارند آنرا نشر نکردند.

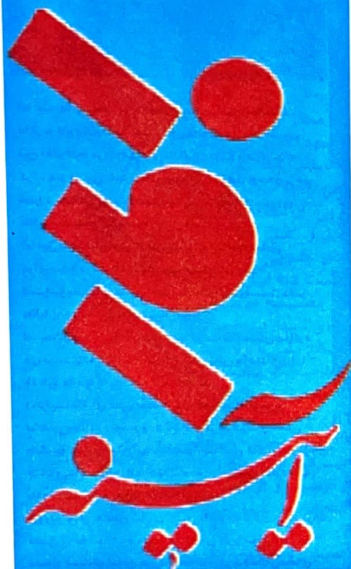
نشر نکردن گزارش این جرگه ملی نشان داد که رسانه های کشور ما اصل حقیقت گوئی و بی طرفی را مراعات نکردند و بدین طریق نشان دادند که به اساس سلیقه عمل می نمایند و ترس آنها دارند که شخصیت های ملی جایگاه خود را پیدا کنند. ما از تلویزیون های حزبی گله نداریم زیرا می خواهند حزب شان تیکه در قویم

و قبیله بی باشد و در این گل گل میزی و آب گل آلود ماهی بگویند ولی رسانه های که خود را مستقل می گویند نباید در جرگه بی بیایند و اگر می آیند آنها نشر نمایند و قضاوت را به مردم بگذارند که چه می گویند.

گرچه آفتاب به یک انگشت پنهان نمی شود و این جمعیت و کتله بزرگ هر کدام مبلغ منفی و یا مثبت جرگه خواهند شد اما بهتر آن بود که تلویزیون های کشور ژرفحقیقی به این بزرگی و موضوعی به این بزرگی باید یاد آوری می کردند و آنها به نشر می سپردند تا در روشی گزارشات شان مردم قضاوت می کردند. جرگه تعدادی از رسانه ها این رسالت خود را به خوبی به سر رسانیدند و نشان دادند که رسانه های هم است که حقیقت ها و مجالس ملی را انعکاس می دهند.



مدیر مسئول و صاحب امتیاز
سید داود یعقوبی
تحت نظر هیئت تحریر
دیرزین و طراحی: سید امید یعقوبی
آدرس: کوچه قصابی - سینما بهارستان سرگ ۵
خانه ۵ دست راست
تماس: ۷۸۷۴۷۷-۱۲۸
فیس بوک: آیمه روز
Omid_yaqubi@yahoo.com



سردار محمد نادر و لنگی زعامت ملی

زنده گی از وطن و مردم نگهداری می کند و خون سرخ خویش را در راه اسلام و جمهوریت می دهد و ثابت کرد این سوگند در عمل نشان داد که سردار محمد داود نه تنها خودش را در راه دین و وطن فدا کرد بلکه تمام خانواده خویش را اعم از کودکان و زنان در این راه قربانی نمود.

بعد از سخرانی های بزرگان قوم و شخصیت ملی در این جلسه لنگی زعامت ملی توسط بزرگان ولایات بر سر سردار محمد نادر گذاشته شد و تمام مردم با اکثریت آرا زعامت را به سردار دادند و از ایشان خواستند بعد از این در راس جرگه های مردمی و حرکت های توده یی قرار گیرند و در روز های دشوار آنها را تنها نگذارند.

سردار محمد نادر نیز در صحبت های خود سوگند یاد کرده که در بین مردم باشد و در همه حرکت ها مردم را تنها نگذارد.

در ضمن سران اقوام در ولایات خواستند که هر کدام در ولایات خود جرگه های حمایتی را از سردار محمد

بعث زعامت یکی از بحث های رهبری اقوام است که در کشورهای آسیایی و اسلامی بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است و هر کشور برای خود یک رژیم ملی و یا قائد اعظم و یا رهبر می داشته باشد.

در کشور ما سردار محمد داود نخستین رییس جمهور کشور را به عنوان رژیم ملی و اسلامی خواندند و اینک سران اقوام و بزرگان تمام ولایات زعامت تنها بازمانده سردار شهید محمد داود اولین رییس جمهور کشور را قبول کردند.

جرگه بزرگی در تالار خلیج راه اندازی شده بود و در آن سران اقوام مختلف کشور و بزرگان دینی و سیاسی و قومی و هزاران نفر از هوا داران خاندان سردار شهید محمد داود خان اولین رییس جمهور کشور اشتراک نموده بودند.

شرکت کننده گان در این جرگه بزرگ پیرامون صلح افغانستان بعد از دو هزار چهارده و خدمات و شهادت سردار محمد داود صحبت نمودند و حمایت خود را از سردار محمد نادر تنها بازمانده نظام جمهوریت اعلام داشتند.

این جرگه با شکوه یک بار دیگر حرکت خود جوش و حمایت مردمی را نشان می داد که دیگر از جنگ و تیکه داری قومی و مذهبی خسته شده اند و به دنبال یک رژیم ملی می گردند و می خواهند کسانی در رهبری مردمی قرار گیرند که دست شان به خون افغان ها آلوده نباشد و امتحان خود را برای مردم داده بچشند. سخرانان صحبت های از سوگند سردار محمد داود اولین رییس جمهور کشور که گفته بود تا آخرین رفق

